

رویکرد جدید تجارت ایران در پهنه آفریقا

این گزارش به واکاوی استراتژی نوین دولت برای بهره‌برداری از مزیت‌های استانی و ورود هدفمند به بازار آفریقا می‌پردازد؛ سفری به اعماق فرصت‌های بی‌پایان اقتصاد در پهنه‌ای که آینده جهان است

بین‌المللی، موتور محرک تولیدات داخلی را نیز به حرکت درمی‌آورد. بسیاری از صنایع کشور که اکنون با ظرفیتی کمتر از توان بالفعل خود فعالیت می‌کنند، می‌توانند با دسترسی به این بازار گسترده، تیراژ تولید را افزایش داده و ضمن کاهش هزینه‌های سربار، به بهره‌وری مقیاس دست یابند. این چرخه، اشتغال‌زایی و رشد سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های تولیدی را تضمین کرده و انگیزه برای توسعه زیرساخت‌ها را تقویت می‌کند. مزیت‌های ایران در صادرات خدمات فنی و مهندسی، از احداث نیروگاه‌ها و سدها تا شبکه‌های انتقال آب و برق، محور متمایزی است که می‌تواند روابط اقتصادی را از سطح تبادل کالا به شراکت راهبردی ارتقا دهد. صدور خدمات مهندسی، علاوه بر ارزآوری، زمینه انتقال دانش فنی و تثبیت حضور شرکت‌های ایرانی در پروژه‌های عمرانی کشورهای آفریقایی را فراهم می‌سازد. همچنین، محصولات دانش‌بنیان و فناوریانه ایران پتانسیل بالایی برای ایجاد ارزش افزوده و تغییر ترکیب سبد صادراتی کشور از خام‌فروشی به سوی تولیدات پیشرفته دارند. سرمایه‌گذاری‌های مشترک و ایجاد خطوط تولیدی بومی در آفریقا، مرحله‌نهایی این پیوند اقتصادی است که منافع بلندمدت طرفین را تضمین کرده و پیوندهای عمیق اقتصادی را پی‌ریزی می‌کند.

چالش‌های رقابتی فراسوی مرزها

رقابت در بازار آفریقا عرصه‌ای پرخطره و در عین حال پرفرصت است که قدرت‌های بزرگی نظیر چین، هند، ترکیه، امارات و کشورهای اروپایی در آن حضور فعال دارند. پیروزی در این کارزار، مستلزم تقویت زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک، حل‌وفصل چالش‌های نظام بانکی و بیمه‌ای و ایجاد شبکه‌ای پایدار از شرکای تجاری است. اولویت‌بندی همکاری‌ها بر اساس شاخص‌هایی نظیر ظرفیت‌های اقتصادی متقابل، سطح روابط دیپلماتیک و آمادگی کشورهای میزبان، کلید مدیریت منابع محدود صادراتی و هدایت آن‌ها به مسیرهایی با بالاترین بازدهی است. برنامه‌ریزی منسجم و سیاست‌گذاری کلان، تنها زمانی به ثمر می‌نشیند که زیرساخت‌های لازم برای تسهیل تجارت فراهم شود. ایجاد اعتماد میان تجار، توسعه مرادوات بانکی و کاهش هزینه‌های مبادلاتی، از بایسته‌های این مسیر است. چنانچه تمامی نهاد‌های مسئول با هماهنگی کامل عمل کنند، قاره آفریقا می‌تواند در سال‌های پیش رو، به یکی از کلیدی‌ترین شرکای استراتژیک ایران در نظام بین‌الملل تبدیل شود. بستری که نه فقط صادرات کالا، بلکه نفوذ تکنولوژیک، صدور خدمات مهندسی و پیوندهای عمیق اقتصادی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان می‌آورد. این مسیر، روایتی از بازتعریف هوشمندانه جایگاه اقتصادی ایران در سپهر نوین جهانی است.



استان یزد به عنوان نخستین پایلوت این برنامه تحول‌گرا برگزیده شده است. انتخاب این استان، پیامی روشن برای فعالان اقتصادی دارد: بهره‌گیری از توانمندی‌های بومی جهت رفع نیازهای خارجی. یزد به دلیل برخورداری از مزیت‌های رقابتی در حوزه‌هایی مانند کاشی و سرامیک، صنایع معدنی، فولاد، سنگ ساختمانی، نساجی، صنایع غذایی، خدمات فنی و مهندسی، انرژی‌های تجدیدپذیر و شرکت‌های دانش‌بنیان، نمادی از پتانسیل‌های تولید ملی است. الگوهای نوین، ظرفیت‌های هر استان را با نیازهای واقعی کشورهای آفریقایی تطبیق داده و فعالان اقتصادی را به سمت بازارهایی هدایت می‌کنند که بیشترین قرابت را با سبد صادراتی آنان دارند. نشست‌های تخصصی که با حضور اتاق‌های بازرگانی و شرکت‌های ایرانی برگزار می‌شود، بستری برای شبکه سازی، شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و بررسی قوانین تجاری است. موفقیت این مدل، اجرای آن را برای سایر استان‌های برخوردار از مزیت صادراتی در اولویت قرار خواهد داد. هدف نهایی، نه فقط صادرات کالا، بلکه ایجاد شبکه‌ای پایدار از همکاری‌های اقتصادی دوجانبه است که ریسک‌های ورود به بازارهای جدید را به شکلی نظام‌مند کاهش می‌دهد.

ارتقای بهره‌وری زنجیره تولید

پیوند تجارت با آفریقا، فراتر از گشایش‌های

استراتژیک است که هر کنش اقتصادی را به قهقرا می‌کشاند. این قاره مجموعه‌ای پیچیده از بلوک‌های اقتصادی با ساختارهای حقوقی، استانداردهای فنی، فرهنگ‌های تجاری و نیازهای مصرفی کاملاً متمایز است. موفقیت در این عرصه مستلزم عبور از کلیشه‌های رایج و روی آوردن به مطالعات میدانی دقیق و شناخت شرکای تجاری بومی است. صادرکنندگان برای ماندگاری در این رقابت فشرده، نیازمند اشراف کامل بر قوانین گمرکی، زیست‌بوم مصرف‌کننده و ایجاد شبکه‌های اعتماد پایدار هستند. شناخت بازار، به عنوان نخستین سنگ بنای معماری تجارت، محور اصلی استراتژی نوین کشور قرار گرفته است. فعالان اقتصادی با تکیه بر اطلاعات دقیق، ریسک‌های احتمالی را تقلیل داده و زمینه‌های شکل‌گیری همکاری‌های بلندمدت را فراهم می‌کنند. هم‌افزایی میان دانش تجاری و تحلیل‌های میدانی، ابزاری است که می‌تواند حضور گذرا را به حضوری پایدار بدل سازد. چنانچه صادرکننده با شناخت دقیق از مؤلفه‌های فرهنگی و نیازهای زیرساختی هر کشور وارد عمل شود، احتمال شکست به حداقل رسیده و ضریب موفقیت به‌طور چشمگیری ارتقا می‌یابد.

الگوی استانی در آزمون

استراتژی ورود به بازار آفریقا اکنون بر استفاده از ظرفیت‌های مزیت‌محور استان‌ها استوار شده و

قاره آفریقا، با جمعیتی بالغ بر یک‌ونیم میلیارد نفر، اکنون به عنوان کانون اصلی تحولات اقتصادی و یکی از سریع‌ترین حوزه‌های رشد در جهان شناخته می‌شود. شتاب‌شهرنشینی، اجرای پروژه‌های عظیم زیرساختی، افزایش جریانات سرمایه‌گذاری و عطش بی‌وقفه برای کالا و خدمات، این جغرافیا را در مختصات استراتژیک تجارت بین‌الملل جای داده است. جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ رویکردی نو، توسعه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای این قاره را نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی برای تنوع‌بخشی به بازارهای هدف، ارزآوری پایدار و تقویت جایگاه ژئواکونومیک خود قلمداد می‌کند. گذار از بازارهای سنتی و محدود به سوی پهنه‌های نوظهور، مسیری است که می‌تواند امنیت درآمدهای ارزی کشور را در برابر تکانه‌های خارجی بیمه کند. سیاست‌گذاری‌های جدید، فراتر از یک ساده‌انگاری تجاری، بر شناخت دقیق از تکرر اقتصادی حاکم بر ۵۴ کشور این قاره استوار شده است. این نقشه‌راه، برای نخستین بار به گونه‌ای تدوین شده که ظرفیت‌های استانی را به عنوان بازوهای عملیاتی ورود هدفمند به بازار آفریقا به کار می‌گیرد؛ رویکردی که نویدبخش تحولی ساختاری در نحوه حضور شرکت‌های ایرانی در بازارهای جهانی است.

تکثر ساختاری بازارهای نوین

پنداشت آفریقا به مثابه یک بازار یکپارچه، خطایی

۶۶

ورود هدفمند

به بازارهای

آفریقایی،

زمانی

ثمربخش است

که شناخت

میدانی،

مزیت‌های

استانی و

شبکه‌ای پایدار

از شرکای

تجاری در کنار

هم‌قرار گیرند

بازار کاغذ در انتظار ثبات

بازار کاغذ از التهاب فاصله گرفته، اما کاهش تقاضا نشان می‌دهد ثبات قیمت‌ها هنوز نتوانسته موتور معاملات را دوباره روشن کند

بازار کاغذ پس از ماه‌ها تجربه یکی از پرتنش‌ترین دوره‌های خود، اکنون نشانه‌هایی از آرامش را بروز داده است. بازاری که در سایه نوسانات ارزی، کندی تخصیص ارز، اختلال در ثبت سفارش و دشواری‌های واردات، افزایش‌های پی‌درپی قیمت را تجربه کرده بود، امروز با بهبود نسبی جریان تأمین ارز و افزایش عرضه، وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ مرحله‌ای که اگرچه از شدت التهاب کاسته، اما هنوز تا بازگشت به رونق فاصله‌ای معنادار دارد. کاهش قیمت برخی اقلام پرمصرف، از جمله کاغذ تحریر، نخستین پیامد این تغییر شرایط به شمار می‌رود، اما فعالان بازار معتقدند این افت قیمت بیش از آنکه نشانه حل ریشه‌ای مشکلات باشد، حاصل روان‌تر شدن فرآیندهای تأمین و واردات است. واقعیت آن است که ساختار بازار کاغذ همچنان به واردات وابسته است و هرگونه اختلال در تأمین ارز یا تجارت خارجی می‌تواند بار دیگر توازن شکننده امروز را بر هم بزند. از سوی دیگر، ضعف تقاضا، کاهش قدرت خرید و رکود حاکم بر صنایع وابسته موجب شده حتی افت قیمت‌ها نیز نتواند موتور معاملات را دوباره روشن کند. به همین دلیل، بازار کاغذ اکنون در نقطه‌ای قرار گرفته که آرامش نسبی در سمت عرضه، هنوز نتوانسته به رونق در سمت تقاضا منجر شود؛ وضعیتی که اهمیت سیاست‌های ارزی، تسهیل تجارت و توسعه تولید داخلی را بیش از گذشته نمایان می‌کند.

آرامش پس از تلاطم

در ماه‌های گذشته، طولانی شدن فرآیند ثبت سفارش، تأخیر در تخصیص

وارد کشور شده و عملیات برش و بسته‌بندی آنها در داخل انجام می‌شود. همین وابستگی گسترده سبب شده بازار کاغذ بیش از بسیاری از کالاهای دیگر، از سیاست‌های ارزی، روند ثبت سفارش و وضعیت تجارت خارجی اثر بپذیرد و ثبات کنونی نیز تا حد زیادی به استمرار تأمین ارز و روان بودن واردات وابسته باشد.

رکود زیر سایه گرانی

هرچند روند نزولی قیمت‌ها از شدت التهاب بازار کاسته است، اما سطح عمومی قیمت‌ها همچنان فاصله قابل توجهی با سال گذشته دارد. رئیس اتحادیه صنف فروشندگان کاغذ و مقوا تهران می‌گوید قیمت کاغذ نسبت به سال گذشته همچنان حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد بالاتر است؛ موضوعی که نشان می‌دهد کاهش‌های اخیر تنها بخشی از افزایش‌های گذشته را جبران کرده است. در سوی دیگر بازار، ضعف تقاضا همچنان مهم‌ترین مانع بازگشت رونق محسوب می‌شود. به گفته نیکدل، شرایط اقتصادی، افزایش هزینه‌ها، گرانی و مشکلات کسب‌وکارها موجب شده تقاضا برای خرید کاغذ کاهش یابد و بازار همچنان در رکود باقی بماند.

فعالان این صنعت نیز معتقدند افت قدرت خرید کنندگان، افزایش هزینه‌های تولید در صنعت چاپ و نشر و محدود شدن فعالیت بسیاری از بنگاه‌ها، حجم معاملات را در سطحی پایین نگه داشته است. از این رو، کاهش قیمت‌ها هنوز نتوانسته جریان تقاضا را احیا کند و بازار را از رکود خارج سازد.

یادداشت



سید شجاع‌الدین امامی رتوف
دیر انجمن صنایع نساجی

لنگی چرخ اشتغال در صنعت نساجی

صنعت نساجی و پوشاک ایران امروز در طوفان تحولات منطقه‌ای و فشارهای اقتصادی، وضعیتی فرسایشی را تجربه می‌کند. جنگ اخیر نه تنها شریان‌های لجستیک و حمل‌ونقل دریایی را با محدودیت‌های جدی مواجه کرده، بلکه با افزایش هزینه‌های بیمه و جهش قیمت جهانی نفت، قیمت مواد اولیه پتروشیمی مورد نیاز این صنعت را به شکل بی‌سابقه‌ای بالا برده است. این وابستگی راهبردی به محصولات پتروشیمی باعث شده تولیدکنندگان در تأمین مواد اولیه با چالش‌های مضاعف روبرو شوند. کاهش تولید داخلی چیپس پلی‌استر که به یک چهارم ظرفیت تقلیل یافته، تولیدکنندگان را به واردات ناگزیر کرده است؛ وارداتی که اکنون با هزینه‌های گزاف حمل و بیمه، بهای تمام‌شده ماده اولیه را دو برابر کرده و عملاً توان رقابتی را از بنگاه‌های اقتصادی سلب می‌کند.

پیچیدگی‌های عملیاتی تنها به تأمین مواد اولیه محدود نمی‌شود. ناترازی انرژی و قطعی برق که امسال شدت یافته، تبغی دو لبه بر گلوئی تولید کشیده و روند فعالیت کارخانه‌ها را مختل کرده است. هم‌زمان، موانع ارزی و دشواری‌های ثبت سفارش، تولیدکنندگان را در تنگنایی بی‌پایان قرار داده است. در سوی دیگر، صنعت پوشاک پیوندی عمیق با روان جامعه دارد. بازارهای شب عید و رونق فصلی در اقلامی همچون منسوجات خانگی، فرش و پوشاک، زیر سایه سنگین نااطمینانی‌های سیاسی و تنش‌های منطقه‌ای رنگ باخته‌اند. مصرف‌کنندگان در چنین شرایطی، خرید کالاهای بادوام را از اولویت خارج کرده و رکود، بر تار و پود این بازار سایه افکنده است. با این حال، متولیان این صنعت با پایش مستمر موجودی‌ها و نیازها، کوشیده‌اند تا اشتغال یک‌میلیونی این حوزه را از گزند تعطیلی مصون دارند.

جایگاه استراتژیک صنعت نساجی در اشتغال‌زایی کشور، انکارناپذیر است. هزینه پایین ایجاد هر فرصت شغلی در این بخش، آن را به سنگری مهم برای صیانت از اشتغال در دوران بحران بدل کرده است؛ موضوعی که در تجربیات جهانی نیز به کرات دیده می‌شود. با وجود این اهمیت راهبردی، سایه شوم قاچاق و ورود بی‌رویه کالاهای استوک، مانند دشنه‌ای بر پیکر تولید داخلی نشسته است. محصولات خارجی که با پایان فصل یا تغییر مددر بازارهای جهانی با قیمتی ناچیز عرضه می‌شوند، بدون هیچ گونه سهمی در ایجاد ارزش افزوده یا اشتغال در ایران، بازار را قیضه کرده و نفس تولیدکنندگان بومی را حبس کرده‌اند. نبود نظام تعرفه‌ای هوشمند و حمایتی، شکافی عمیق میان تولیدکنندگان داخلی و رقبای خارجی ایجاد کرده است. در حالی که کشورهای رقیب همچون ترکیه با اعمال سیاست‌های حمایتی دقیق و تعرفه‌گذاری هدفمند بر واردات پارچه، چتر ایمنی بر سر صنعت گران خود گشوده‌اند، در ایران فقدان چنین تدابیری، توجیه اقتصادی سرمایه‌گذاری را تهدید می‌کند. برای خروج از این وضعیت بحرانی و جلوگیری از قربانی شدن صنعت نساجی در مسلخ قاچاق و رکود، بازنگری فوری در سیاست‌های تجاری و انرژی حیاتی است.